

راهکارهای تربیت مهدوی؛ با تکیه بر ابعاد وجودی کودک

مریم علی پور*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

این مقاله با توجه به اهمیت مسئله مهدویت، که از مسائل مهم عصر غیبت است و ارتباط مستقیم با زندگی فردی و اجتماعی دارد، به موضوع راهکارهای تربیت مهدوی، با تکیه بر ابعاد وجودی کودک می‌پردازد. بهترین گروه سنی برای تربیت، سن کودکی است که به عنوان یک مرحله ویژه و حساس در زندگی فرد است و پایه و اساس شخصیت آدمی در این دوره شکل می‌گیرد. این مقاله تربیت را در سنین کودکی و با بررسی ابعاد وجودی کودک، در سه قلمرو شناختی، عاطفی و رفتاری، با تطبیق منابع دینی و روان‌شناسی مورد پژوهش قرار می‌دهد. از جمله راهکارهای تربیتی در این سن: روش تقویت و نهادینه‌سازی احساس عزت و خودارزشمندی، الگومای، نهادینه‌سازی تعمیق تفکر و تأمل در اعمال، تقویت حس نظارت و حضور امام زمان در زندگی، ایجاد محبت نسبت به حضرت، تصویرسازی و بیان ویژگی‌های حکومت پس از ظهور و فضاسازی مهدوی در خانه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کودک، تربیت مهدوی، ابعاد وجودی.

* دانش‌آموخته مدرسه تخصصی فقه و اصول تهران Maryamlipoor1360@gmail.com

مقدمه

در عصر غیبت کبری و دوری ظاهری از مربی و حجت الهی، جامعه شیعی بیش از هر زمان دیگر، به منظور ارتقاء و رشد علمی، عملی و معنوی افراد جهت تربیت نسل مهدوی، نیازمند تربیت صحیح و اثرگذار دینی است. براین اساس، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است. تعبیر «زمینه‌سازی»، برگرفته از روایت نبوی است و به معنای آمادگی معرفتی، اخلاقی و رفتاری برای ظهور و پذیرش امر معصوم است. این آرمان ارزشمند، با پرورش نسلی که مبانی دینی و اخلاقی در وجودش نهادینه شده باشد، تحقق می‌یابد. از دیدگاه اسلام، زمینه‌سازی برای جامعه امام زمانی، رویکردی تربیتی است؛ زیرا طبق سنت الهی تا افراد تربیت نشوند و تحول و رشد نیابند، جامعه نیز متحول نشده و به تکامل نخواهد رسید و در نتیجه، ظهور و حاکمیت نظام مهدوی تحقق پیدا نخواهد کرد. از این رو، باید برای تربیت نسل مهدوی منتظر و منتظرپرور، بهترین سن تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری؛ یعنی دوران کودکی را انتخاب کرد؛ زیرا هویت شخصیتی و زیربنای فکری، اعتقادی و اخلاقی هر فرد، در آن دوران پایه‌ریزی می‌شود. بهترین روش برای تربیت صحیح و پایدار، استفاده از راهکارهای متناسب با هدف تربیتی و در نظر گرفتن ابعاد وجودی مربی، با توجه به سن او می‌باشد.

البته در زمینه مهدوی و تربیت دینی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته و در برخی از کتاب‌ها و مقالات، راهکارهای تربیتی به صورت کلی و بدون توجه به سن و ویژگی‌های سنی نوشته شده است. مانند: کتاب مهدی باوری در کودکان



تألیف ابراهیم عبداللّهی (۱۳۹۶) که به بررسی راهکارهای تربیت مهدوی کودکان می‌پردازد. روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نوشته حمیدرضا سروریان، که روش‌های آموزشی را با توجه به آموزه‌های پیامبر بررسی می‌کند. اما این مقاله، در صدد است راهکارهای متناسب با ابعاد وجودی کودک در هفت سال اول و در زمینه تربیت مهدوی را معرفی نموده، به این سوال اساسی پاسخ دهد که راهکارهای تربیت مهدوی با توجه بر ابعاد وجودی کودک کدام است؟

مفهوم‌شناسی

در ابتدای بحث، به بررسی مفاهیم اصلی تحقیق پرداخته می‌شود.

۱. تربیت مهدوی: مفهوم‌شناسی واژه «تربیت مهدوی»، مبتنی بر معناشناسی دو واژه «تربیت» و «مهدوی» است. در بررسی و تحلیل یک واژه، لازم است آن را در دو گستره لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار داد. «تربیت» در لغت فارسی به معنای پرورش دادن (عمید، ۱۳۷۱، ص ۳۸۶)، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۶۰۱)، و به معنای یاد دادن ادب و اخلاق، نیز آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۶۳). در اصطلاح، به فعالیت منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به-طور کلی، پرورش و شکوفایی استعداد های متربّی که نتیجه آن در شخصیت متربّی، به ویژه در رفتارهای او ظاهر می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

۲. واژه «مهدوی» به لحاظ ساختاری، اسم منسوب بوده که از الحاق «ی» نسبت، به کلمه «مهدی» ساخته شده است. واژه «مهدی» نیز صفت مفعولی از



ریشه «ه دی» بوده و به معنای هدایت شده آمده است و در اصطلاح، لقب خاصّ امام دوازدهم شیعیان است: «هدی» یعنی پیش افتادن برای نشان دادن راه درست (الرازی، ۱۳۸۹ ق.م، ج ۶، ص ۴۳-۴۲). همچنین «مهدی»، بر کسی اطلاق می شود که به رشد و رستگاری هدایت شده، از گمراهی به دور باشد (الزبیدی، ۱۴۱۴ ق.م، ج ۱۰، ص ۴۰۶). بنابراین، واژه «مهدوی»؛ یعنی اموری که منسوب به حضرت مهدی علیه السلام است. واژه «مهدویت» نیز تقریباً به همین معنی است.

۳. کودک: در فرایند تربیتی، سن کودکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در روایات نیز بر اهمیت تربیت در این دوره تأکید شده است. از جمله این روایات، حدیث «سبع سنین» است که نمونه بارز توجه ایشان به این دوره از زندگی انسان و نشانگر اهمیت آن در تربیت اسلامی است که مراحل زندگی از تولّد تا جوانی را به بخش های هفت ساله تقسیم می کند و برای هر مقطع سنی، ویژگی یا وظیفه تربیتی خاصی معین می کند (صدوق، ۱۴۱۳ ق.م، ج ۳، ص ۴۹۲). در زبان فارسی، واژه «کودک» به معنای کوچک، صغیر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۸۶۸۸). همچنین به معنای بچه، خردسال، صبی، نوباوه و فرزندى که به حدّ بلوغ نرسیده (عمید، ۱۳۷۱، ص ۹۹۱)، و طفل (معین، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۱۱۷)، نیز استعمال شده است. در این تحقیق، منظور از «کودک» هفت سال اول زندگی شخص است.

۴. ابعاد وجودی؛ مفهوم شناسی واژه ترکیبی «ابعاد وجودی»، مبتنی بر معناشناسی دو واژه «ابعاد» و «وجودی» است. ابعاد جمع بُعد می باشد و بُعد در فرهنگ لغت چنین معنا شده است: بُعد یعنی دوری، جدایی، هریک از



امتدادهای ثلاثه: طول، عرض و ارتفاع، کشش (معین، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰) که در این مبحث، منظور از بُعد، معنای جنبه و جهت آن مد نظر است.

واژه «وجودی» به لحاظ ساختاری، اسم منسوب است که از الحاق «ی» نسبت، به کلمه «وجود» ساخته شده است؛ یعنی آنچه منسوب به وجود است. وجود در لغت به معنای: هستی، دریافت، یافتن، دریافتن (معین، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴۷) است. وجودی؛ یعنی آنچه که سلب جزو مفهوم آن نباشد. مقابل آن عدمی است که سلب جزو مفهوم آن است و به همین معنی عدمی در تعریف قضیه معدوله به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده وجود).

تربیت پژوهان و روان‌شناسان، برای انسان سه بعد یا قلمرو وجودی در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: شناختی، عاطفی و رفتاری. بُعد شناختی، مربوط به شناخت دهی و تامین اطلاعات ذهنی کودک است. بعد عاطفی، مربوط به تامین نیازهای روحی روانی و عاطفی او است و منظور از قلمرو رفتاری، تحریک اراده و تصمیم‌گیری و همچنین فعالیت بدنی است. قابل توجه است که انتقال هر آموزه‌ای به کودک و یا به کارگیری هریک از روش‌های تربیتی، درگرو توجه به هر سه بُعد شخصیت کودک است (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۵۰).

اهمیت تربیت در دوران کودکی

کودکی، مرحله ویژه و حساس در زندگی فرد است به گونه‌ای که ارکان اصلی زندگی انسان بالغ ورشید، به کیفیت آن دوران بستگی دارد (باهر، ۱۳۸۷، ص ۲۰). دوران کودکی، پایه و اساس شخصیت آدمی را تشکیل می‌دهد. کودک در پنج و شش سالگی، نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد



شد (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۲۰). این دوره سرنوشت ساز، آن گونه که در فرمایشات حضرات معصومان علیهم السلام فراوان مطرح شده است، اگر با عطف و مهرورزی، همدلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی ترین، سالم ترین و متعادل ترین ستون های تکوین شخصیت پی ریزی می شود. از نظر مباحث تربیتی، حساسیت این فصل از زندگی انسان به دلیل این است که بهترین سن آموزش پذیری و بهترین دوره برای تربیت است؛ زیرا کودک از حس تقلید پذیری بالایی برخوردار است. از این رو، به خوبی آنچه را که به او آموخته می شود، فرا می گیرد. در این باره فرهنگ دینی ما سرشار از سفارشات معصومین علیهم السلام است (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۴۶)

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «انما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل ان يقسو قبلک و يشغل لبك لتستقبل بجد رأيك ما قد كفاك اهل التجارب بغيته و تجربته: قلب کودک نورس، همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو، در تربیت توشتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه ات به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده اند و تو را از تلاش و یافتن بی - ساخته اند» (سیدرضی، ۱۳۸۶، ص ۶۶۰).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده اند: «مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ»؛ هر کس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید (دیلمی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۵).



همچنین از امام صادق علیه السلام روایات «سبع سنین» وارد شده که نمونه بارز توجه ایشان به این دوره از زندگی انسان و بیانگر اهمیت آن در تربیت اسلامی است؛ اینکه مراحل زندگی از تولد تا جوانی را به بخش های هفت ساله تقسیم می کند و برای هر بخش، ویژگی یا وظیفه تربیتی خاصی معین می کنند. می فرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ بَيْنَ لَأَخِيرَ فِيهِ»؛ کودک خود را تا هفت سال به بازی رها کن، و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده، و هفت سال با خود همدم و همراز ساز. پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه، چنین شد امید خیری در وجودش نخواهد بود (صدوق، ۱۴۱۳ ق.م، ج ۳، ص ۴۹۲). مطالعات روان شناسی کودک نشان می دهد که سال های بین سه تا شش سالگی، مرحله شکل گیری شخصیت، تربیت حواس و تربیت تخیل است (ر.ک: شکوهی، ۱۳۸۱، فصل ۱۱).

این مقاله هفت سال اول زندگی و مقطع کودکی را مورد توجه قرار داده است.

تربیت مهدوی و حیطه های وجودی کودک

در بحث تربیت، مهم ترین نکته ای که باید مورد توجه مریبان قرار گیرد، توجه به ویژگی های مقطع سنی متربی در حیطه های شخصیتی، عاطفی و رفتاری است. مربی با دانستن این ویژگی ها و استفاده از راهکارهای متناسب با آنها در هر مقطع سنی، می تواند تربیت اثرگذار و پایداری را بر متربی داشته باشد. البته توجه به ویژگی های شخصیتی، خانوادگی و محیطی هر فرد از اهمیت به سزایی برخوردار است. بنابراین، کار تربیت کاری بسیار پیچیده و دشوار است و نیاز به مطالعات



زیادی در زمینه‌های مختلف دارد. ولی از آنجا که در این مقاله، زمینه بررسی همه جوانب و ابعاد موثر در بحث تربیت وجود ندارد، ما به بررسی برخی از ویژگی‌های مهم شخصیت کودک، که در مبحث راهکارهای تربیت (مهدوی) نقش دارد، می‌پردازیم.

الف) قلمرو شناختی راهکارهای تربیت مهدوی کودک

همانگونه که گذشت، مقصود از قلمرو شناختی در مباحث تربیتی، حوزه‌هایی است که مرتبط با بینش انسان با هدف آموزش یا تقویت آنها و شامل دانسته‌ها، یافته‌ها و دریافت‌های انسان از خود و دیگران است (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۳۳۰). همچنین در سطح نهاد شامل باورها، ارزش‌ها و اطلاعات درباره هدف شناخته شده می‌باشد (رضاییان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲). هر چند تحوّل شناختی کودک، هماهنگ با تحوّل عاطفی و اجتماعی اوست، ولی در عین حال، عامل تأثیرگذار و زیربنای سایر ابعاد مانند جنبه گرایشی و رفتاری وی نیز می‌باشد (موسوی نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

بنابراین، چنانچه یک مربّی بخواهد گرایش به مهدویّت و انجام رفتاری متناسب با رضایت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه را در کودک تقویت کند، گام نخست اعطاء بینشی صحیح نسبت به آن رفتار و نتایج سودمند آن از راه‌های ورودی شناخت همچون چشم، گوش، خطرات ذهنی، نیروی تخیل و مفهوم‌پردازی است (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۵۳). ویژگی‌های قلمرو شناختی عبارتند از: تحوّل زبان، شکل‌گیری تصویر ذهنی، پیش‌تصوری بودن، درون‌سازی مفاهیم و فعالیت رمزی، زمینه‌سازی ذهنی برای تقلید از الگوی پنهان، خودمحوری، ناتوانی در



تجزیه و تحلیل، انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی، شکل‌گیری خودپنداره، انعطاف فکری و زودباوری، کنجکاوی، یادگیری مشاهده‌ای، کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی، تحوّل چشمگیر بازشناسی و تحوّل اندک نگهداری. (همان). اکنون به تعریف چند ویژگی، که ارتباط بیشتری با تربیت مهدوی مؤثر و پایدار دارد، می‌پردازیم.

۱- شکل‌گیری خودپنداره و تربیت مهدوی

دوره کودکی، مرحله آغازین شکل‌گیری خودپنداره انسان است. خودپنداره، تصویری جامع است که هر فرد از خود دارد. در واقع، خودپنداره پاسخی است به پرسش که «من کیستم؟» کیفیت خودپنداره در شکل‌دهی شخصیت انسان در بزرگسالی تأثیر به‌سزایی دارد (همّتی، ۱۳۹۰، ص ۹-۱۰). به همین دلیل، ایجاد پندار درست از هویت واقعی کودک نسبت به خود و ایجاد کرامت و عزت نفس، از همان سنین کودکی موجب می‌شود او راه صحیح زندگی را پیدا کند و به حیات طیبّه نزدیک‌تر شود. در فواید شکل‌گیری درست خودپنداره در کودکان، روایات بسیاری وارد شده که مضمون آن به اهمیت این موضوع اشاره دارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که پیش خودش کریم و مثبت‌نگر باشد و چهره مثبتی از خود در ذهن داشته باشد، نفس خودش را با ارتکاب به معصیت و بزهکاری بیارزش نمی‌کند» (النوری الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۳۳۹). در روایت دیگری، هم ایشان می‌فرمایند: «کسی که نفس کریمی داشته باشد، یا جان خود را کریم و با ارزش بینگارد، به راحتی از شهوات و خواسته‌های شهوانی می‌گذرد» (سیدرضی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲۰).



به همین دلیل، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست؛ زیرا انسان با تقوا به راحتی به گناه دست نمی‌زند. ریشه بسیاری از رفتارهای منفی و نابهنجار، کمبود شخصیت یا پایین بودن عزت نفس است. راهکارهای تربیت مهدوی در این زمینه عبارتند از:

- تربیت کودک بر اساس اصول صحیح تربیتی: فرزند منتظر، پیش از هر چیز باید فرزندی باشد که از نظر روحی، ذهنی و رفتاری درست تربیت شده و سالم باشد؛ زیرا بهتر و سریع‌تر می‌توان او را برای تربیت مهدوی آماده کرد. در منابع اسلامی، رهنمودهای بسیاری از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باب اصول و مبانی تربیت کودکان، در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی بیان شده است. در خصوص مراحل تربیت و ویژگی‌های هریک، از جمله ازدواج و آداب آن، توصیه‌های دوران بارداری و شیرخوارگی، محبت و عدالت‌ورزی نسبت به کودکان و رعایت موازین دیگر پرورشی، روایات بسیاری از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱).

- تقویت و نهادینه‌سازی احساس عزت و خودارزشمندی: از آنجا که خودپنداره کودک در این سنین پایه‌ریزی می‌شود، باید بینشی صحیح از ارزش وجودی الهی کودک به او داد. احساس خودارزشمندی پیامدهای بسیاری دارد. از جمله: قدرت ادراکی فرد، به خصوص دربارهٔ مباحث دینی مثل ظهور، افزایش می‌یابد و در مقابله با شبهات دینی، توانمندتر می‌شود و نسبت به احساسات و افکار خود، به ویژه عقاید دینی برخاسته از فطرت خود تردید نمی‌کند. همچنین از ابراز شبهات، ترس به خود راه نمی‌دهد و برای رفع آنها با علمای دین، به



گفت وگوی منطقی می‌پردازد و با آنان ستیزه نمی‌کند. از گرفتار شدن به آشفتگی‌های فکری و شهوانی و اضطراب و پریشانی عاطفی مصون می‌ماند (سیدرضی، بی‌تا، خ ۴۴۹).

- آشنا کردن کودک با ویژگی‌های منتظران در عصر غیبت: در عصر غیبت، یکی از اصلی‌ترین اهداف و آرمان الهی، تلاش در جهت آماده‌سازی افراد و زمینه‌سازی برای ظهور است. در روایتی آمده است: «یخرج ناس من المشرق فیوْطْنون للمهدی سلطانَه»؛ مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی فراهم می‌سازند (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۱، ص ۷۸). برای این آماده‌سازی، لازم است ابتدا کودک را با امام زمان علیه السلام آشنا کنیم. سپس ویژگی یاران امام را برای او بیان کرده و این باور را در او نهادینه کنیم که او نیز می‌تواند یکی از یاران امام باشد. ایجاد این باور در او موجب می‌شود که او سعی کند خود را متصف به صفات یاران حضرت کند تا به آنان شبیه‌تر شود.

۲. انعطاف فکری و تربیت مهدوی

انسان در دوره کودکی، به دلیل کم‌اطلاعی و محدودیت در ظرفیت شناختی، انعطاف فکری زیادی دارد. به همین دلیل، بسیا زود و سریع، سخنی را صحیح پنداشته و نسبت به آن باور و اعتماد پیدا می‌کند (رک: کاویانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱-۲۴۰؛ گنجی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲ و ۲۱۰). به دلیل این ویژگی شخصیتی در کودکان، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همواره عنایت ویژه‌ای به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درک و معرفت او نشان می‌دادند.

در روایتی، امام صادق علیه السلام به جمیل بن درّاج فرمودند: «فرزندانتان را با کلام

[ما] آشنا کنید پیش از آنکه مرجئه {و دیگر فرقه‌های منحرف عقیدتی بر شما سبقت بگیرند} و آنان را منحرف سازند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۴). همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی به همین مضمون وارد شده است (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۷).

از مضمون این روایات به دست می‌آید که کودک زمینه فکری منعطف و باورپذیری دارد که پیش از شکل‌گیری نادرست باید تحت تربیت دینی صحیح قرار گیرد تا از انحرافات و باورهای غلط مصون بماند.

- سپردن فرزند به استاد و معلم دوستدار اهل بیت علیهم السلام: با توجه به انعطاف فکری در سنین کودکی، نقش معلم و استاد و تأثیرگذاری مثبت یا منفی او در تربیت و شخصیت فرزندان به خوبی روشن است. آموزش و تأثیرگذاری رفتاری معلم بر فرزند، همچون تأثیرگذاری کشاورز در زمین بایری است که با بذرافشانی کمیت و کیفیت محصول آینده را رقم می‌زند. در همین زمینه، می‌توان به قصه ممنوعیت لعن امیرالمؤمنین علیه السلام توسط عمر بن عبدالعزیز اشاره کرد، اقدامی که عامل اصلی آن وجود استادی شیعه و مؤمن برای عمر بن عبدالعزیز در دوران کودکی بود. (ر.ک: پیشوایی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۷).

- آموزش قرآن و تعالیم دینی: مأنوس بودن با قرآن و تعالیم دینی از دوران کودکی موجب نهادینه شدن آنها در وجود کودک می‌شود و در آینده نسبت به همسالان خود بهتر درست را از نادرست، حق را از باطل، تشخیص می‌دهد و در برابر شبهات مهدوی و انحرافات تأمل بیشتری می‌کند و کمتر دچار سقوط می‌شود. البته باید به این نکته توجه شود که تفاسیر قرآن و تعالیم دینی را باید به زبان کودکانه و قابل فهم برای او بیان کرد.



- نهادینه سازی تعمیق تفکر و تأمل در اعمال: یکی از مهم ترین شرایط ظهور، بافزایش اطلاعات مردم و آمادگی عمومی برای طلب و پذیرش منجی است (ر.ک: بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۱، درس یازدهم). در نتیجه، برای تربیت نسل مهدوی، باید از همان دوران کودکی قدرت تفکر و اندیشیدن را در افراد بارور کرد. فردی که از کودکی بیاموزد که در هر کاری باید اندیشه کند و بعد از تجزیه و تحلیل تصمیم گرفته و عمل کند، در بزرگسالی قوه تفکرش عمیق تر و صحیح تر عمل می کند و فرد موفق تری در همه ابعاد زندگی می شود و حق را در هر جا که باشد، می یابد.

تقویت حس نظارت و حضور امام زمان علیه السلام در زندگی: این مسئله در واقع یکی از اعتقادات مهم شیعه است و در آیه ۱۰۵ سوره توبه به آن اشاره شده است: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغِیْبِ وَالشَّهَادَةِ فِیَنْبِئْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ و بگو هر عملی که می خواهید انجام دهید، پس بزودی خدا و رسولش و مؤمنون عمل شما را می بینند. روایات فراوانی در این زمینه آمده است. این باور که هر لحظه اعمال ما مورد نظر و عنایت حضرت مهدی علیه السلام است و هیچ چیز بر او پوشیده نیست، می تواند زمینه رشد و تربیت هر چه بیشتر فرزندان را فراهم کند. احساس اینکه حضرت مهدی علیه السلام مراقب و ناظر اعمال همه هستند، می تواند نقش بسزایی در شخصیت انسان ها داشته باشد.

۳. یادگیری مشاهده ای و تربیت مهدوی

یادگیری های کودکان، غالباً از راه مشاهده است. برخی روان شناسان از جمله آلبرت بندورا به این نکته توجه نموده و نظریه یادگیری اجتماعی و مشاهده ای را



مطرح کرده است. براساس این نظریه، مؤثرترین، مهم‌ترین و بیشترین یادگیری‌ها از راه مشاهده، تقلید و الگوبرداری انجام می‌شود (همتی، ۱۳۹۰، ص ۴۶). کودک با انتخاب یک الگو، به تقلید رفتار آن می‌پردازد. مشاهده عواقب رفتار الگوتوسط کودک، موجب جلوگیری او از انجام کورکورانه رفتار یا تشویق به رفتاری خاص می‌شود (سیف، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴).

همه روایاتی که در باب تربیت فرزند وارد شده، به این مطلب اشاره دارد که کودک از مشاهده رفتار والدین و یا مربی خود الگوبرداری می‌کند و از آن تقلید می‌کند و شخصیت او بر مبنای مشاهدات و آموزش‌های که دیده پایه ریزی می‌شود. از جمله این روایات، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «إِغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ»؛ بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایید، همان طور که مایلید فرزندان شما بینتان به عدل و داد رفتار کنند (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۱، ص ۹۲).

از مضمون این روایت به خوبی به دست می‌آید است که کودکان از آنچه در رفتار بزرگترها مشاهده می‌کنند، الگوبرداری می‌کنند و رفتار خود را بر مبنای آن می‌سازند. پس حضور ایشان را همیشه همراهش حس می‌کند و مشتاقانه برای ایشان دعا می‌کند.

- زیارت مشاهد شریفه و اماکن مقدس: آشناساختن و بردن فرزندان به اماکن مقدس و زیارت سرزمین‌هایی که رنگ و بوی اهل بیت علیهم السلام را دارد، موجب ایجاد محبت و الفت نسبت به ایشان می‌شود؛ زیرا کودک به دلیل ویژگی‌هایش مانند انعطاف فکری، یادگیری مشاهده‌ای، تقلیدپذیری و عادت‌پذیری چیزی را که بیشتر در محور اهمیت ببیند، می‌پذیرد و در رأس علائقش قرار می‌دهد.



ب. راهکارهای قلمرو عاطفی تربیت مهدوی کودک

مقصود از قلمرو عاطفی، میل‌های باطنی انسان، اعم از گرایش‌های مخصوص انسان، مشترک میان انسان و حیوان و گرایش‌های مثبت و منفی است. به این تربیت، تمایلات غریزی، محبت، عشق، نفرت، کینه، خشم، غضب، ترس، امید، یأس، اضطراب، شادی، غم و مانند این امور را می‌توان به ساحت گرایشی مربوط دانست (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۳۳۱-۳۳۲).

برای مدیریت افعال کودک در فرایند رشد و تربیت پایدار و مستمر، افزون بر شناخت‌دهی، احتیاج به جهت‌دهی و تقویت گرایش‌های مفید و مثبت است؛ زیرا گرایش‌ها منشأ مهم و تأثیرگذاری برای رفتارها محسوب می‌شوند. براین اساس، اگر مربی قصد ایجاد، تقویت یا تغییر نوعی رفتار را داشته باشد، باید پس از اعطای بینش، میل و انگیزه کودک را نسبت به آن رفتار به اندازه کافی تحریک و تقویت کند. همچنین، برای جلوگیری از رفتار نابهنجار، باید میل و انگیزه درونی او را نسبت به آن کاهش دهد (رک: مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱ و ۳۲۶ و ۳۶۱-۳۶۳). ویژگی‌های قلمرو عاطفی عبارتند از: محبت‌خواهی، احترام‌خواهی، نیازمندی به امنیت، نیاز به شادمانی، استقلال‌طلبی، تنوع‌طلبی، خودنمایی، میل به ارتباط با همسالان، پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۵۲) در اینجا به چند راهکار تربیتی متناسب با آن پرداخته می‌شود.

۱. محبت خواهی و تربیت مهدوی

نیاز به محبت، یکی از نیازهای اساسی کودکان به شمار می‌رود. در اسلام به این موضوع بسیار توجه شده تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ؛ خداوند بنده اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزند خود دارد، رحم می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق.م، ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۴۶۹۵) همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان مهربان باشید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.م، ج ۲۱، ص ۴۸۳).

کودکان، به سرعت علاقه‌مند و دلبسته کسانی می‌شوند که با آنان مهربان باشند و محبت کنند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر یک فرد خشن و گستاخ بودی، هر آینه هیچ کس دور تو جمع نمی‌شد. نقش محبت در جلب توجه و اعتماد، به خصوص در زمینه تربیت دینی، به خوبی از این آیه کریمه به دست می‌آید.

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَزَحَهُ فَزَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس فرزند خود را ببوسد، خدا بر او پاداشی می‌نویسد و هر کس فرزندش را خوشحال کند، خدا او را در روز رستاخیز شاد می‌گرداند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.م، ج ۲۱، ص ۴۷۵). در این گونه روایات به این نیاز وجودی کودک و اهمیت آن اشاره شده است. برخی راهکارهای تربیت مهدوی در این زمینه، عبارتند از:

- ایجاد محبت نسبت به حضرت مهدی علیه السلام: انسان وقتی به کسی علاقه



داشته باشد، یاد و خاطره محبوب همیشه در فکرو ذهن او حضور دارد. این امر موجب می شود که زندگیش رنگ و بوی معشوق بگیرد. اگر محبوب انسان موجودی متعالی و ملکوتی باشد، این الگوپذیری زمینه رشد و تعالی او را فراهم خواهد کرد. به دلیل اهمیت محبت به اهل بیت علیهم السلام، خداوند در قرآن کریم، مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مودت و دوستی خاندان او قرار داده است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳). همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده - اند: اگر خدای متعال کسی را به این رزق برساند که محبت ائمه از اهل بیت مرا در سفره او قرار دهد، به تمام خیر دنیا و آخرت راه پیدا کرده است. بنابراین، کسی تردید نکند که چنین کسی در بهشت است (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۱۵).

ایجاد محبت در کودک را می توان از راه های مختلف انجام داد. از جمله:

- آموزش حدیث: یکی از راه های دل بستن به کسی، آشنا بودن با آثار و گفته های اوست. لذا اهل بیت علیهم السلام که کلامشان نور است، می توانند انسان ها را از تاریکی های دل و فکرنجات دهند. از این رو، در جهت تربیت نسل مهدوی، کودکان باید با آثار خطابی و کتبی ایشان انس بگیرند و با آشنایی آنان با این احادیث، ارادت و محبت و معرفت فرزندان را به ایشان بیشتر ساخت. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَزْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا»؛ از میان امت من هر کس چهل حدیث از احادیثی که مردم در دین خود بدان نیازمندند حفظ کند، خداوند او را در روز قیامت فقیه و عالم محشور خواهد کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.م، ج ۲۷، ص ۹۴). حفظ و نگهداری حدیث به معنای عمل و رفتار بر طبق آن



است (ر.ک: مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۸). از مضمون این روایت اهمیت یادگیری احادیث به خوبی آشکار می شود.

- استفاده از آیات موضوعی: یکی از روش های ایجاد محبت، آشناساختن فرزندان با آیاتی است که راجع به حضرت مهدی علیه السلام می باشد. برخی آیات، به طور مستقیم بر امام عصر علیه السلام و موضوعات مربوط به ایشان دلالت می کنند. آشنایی با این آیات، می تواند کودک را با صفات و ویژگی های یاوران حضرت و خصوصیات حکومت ایشان، مأنوس کرده و او را علاقه مند به داشتن این صفات و مشتاق ظهور حضرت کند.

- تعلیم دعا برای فرج امام زمان علیه السلام و مداومت بر آن: در روایات معصومین علیهم السلام دعا برای فرج امام زمان علیه السلام، به عنوان یکی از عوامل نجات انسان ها در دوران هلاکت بخش شمرده شده است (مجلسی، بی تا، ج ۲۷، ص ۷۵). مداومت بر انجام این کار موجب مأنوس شدن کودک با حضرت می شود.

- بزرگداشت ایام شهادت و ولادت ائمه طاهرين علیهم السلام: در آیه ۳۲ سوره حج، خداوند به این مطلب اشاره کرده، می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ شمارد، آن نشانه روح تقوی است. همچنین، در بزرگداشت عید غدیر در سیره ائمه آمده است که ایشان این روز را جشن می گرفتند و میهمانی می دادند. در کتب تاریخی و روایی نقل شده که ائمه هدی علیهم السلام همواره با برپایی مجالس عزا و سوگواری و ایراد خطبه های آتشین در زنده نگه داشتن یاد اباعبدالله الحسین علیه السلام در قلوب همگان می کوشیدند. آشناساختن فرزندان با بزرگداشت این ایام، در فضا سازی معنوی و روحی کودک



بسیار مؤثر است، به خصوص بزرگداشت دهه مهدویت و ایام ولادت آن حضرت در نیمه شعبان.

- دادن هدیه از سوی امام زمان علیه السلام؛ در فرصت‌های مختلف از جمله ولادت‌های ائمه علیهم السلام برای کودکان هدیه‌ای تهیه کنیم و بگوییم از سوی امام زمان علیه السلام؛ برای شما فرستاده شده است. این کار موجب ایجاد محبت بیشتر نسبت به حضرت در دل کودکان می‌شود. این روش، همان کاری بود که معاویه برای ایجاد بغض نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام؛ در دل کودکان انجام می‌داد.

۲- امنیت خواهی و تربیت مهدوی

کودک نیاز دارد تا در محیطی آرام همراه با آرامش و صمیمیت زندگی کند. محبت والدین به یکدیگر در واقع، آرامش و امید به آینده را به کودک منتقل می‌کند (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۶۷). در تاریخ آمده است: ام الفضل همسر عباس بن عبدالمطلب، به خواهش پیامبر اسلام، پرستاری امام حسین علیه السلام را پذیرفت تا کمک حضرت زهرا علیها السلام باشند. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خانه وی رفتند تا امام حسین علیه السلام را ببینند. وی بچه را به حضرت داد. بچه از شدت خوشحالی در حالی که در آغوش پیامبر بود، یک مرتبه خود را خیس کرد. ام الفضل تا این صحنه را دید، آن چنان ناراحت شد که گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله ببخشید و خواست بچه را به تندی از آغوش حضرت بکشد. پیامبر فرمودند: آرام باش. این آلودگی پاک می‌شود، اما چه چیزی می‌تواند کدورتی که تو بر دل فرزندم حسین علیه السلام نشانده‌ای پاک کند (فرید، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۷). از این برخورد



پیامبر ﷺ، این گونه برداشت می شود که برخوردهای تند و عصبی، همچون یک شوک بر کودکان وارد می شود و موجب عقده ای شدن و از بین رفتن احساس امنیت و اعتماد به نفس آنان می شود.

- تصویرسازی و بیان ویژگی های حکومت پس از ظهور؛ یکی از راه ها برای علاقه مند کردن کودک به ظهور حضرت و ایجاد محبت و حس امنیت در او، تداعی زیبایی های جهان پس از ظهور حضرت و جلوه های زیبایی از حکومت حضرت پس از ظهور است. آیات و روایات مختلف از جمله آیه ۵۵ سوره نور، با بیان ویژگی های حکومت پس از ظهور در واقع خواسته اند با ایجاد حس امنیت در افراد، در آنها علاقه به ظهور را ایجاد کنند. علامه طباطبایی، در تفسیر این آیه می فرماید: این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح دارند، به آنان وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می کند؛ امنیتی که دیگران کید منافقان و کفار و ممانعت آنان، بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (المیزان، ذیل تفسیر آیه ۵۵ نور)

- ایجاد حس آرامش و امنیت در کودک با مددخواهی از حضرت: انسان زمانی که بداند یک تکیه گاه و پشتوانه محکمی در زندگی دارد که او را لحظه به لحظه حمایت می کند، در مسیر زندگی و مواجهه با مشکلات، آرامش و طمأنینه در خود احساس می کند که هم او را مقاوم تر کرده و هم در سایه آن آرامش، قدرت تفکر و تصمیم گیری بهتری بدست می آورد.



در توقیع مبارک آن حضرت برای شیخ مفید آمده است: ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و شما را از یاد نبرده ایم که اگر جزاین بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام، از امام سجاد علیه السلام چنین نقل می‌کند: ما کسانی هستیم که خدا به واسطه ما آسمان را بر فراز زمین نگاه داشته و اهل زمین را از هلاکت نجات بخشیده است. به واسطه ما باران می‌بارد و رحمت خدا منتشر می‌شود و زمین برکاتش را بیرون می‌آورد و اگر نبود در هر عصر و زمانی امامی از ما اهل بیت در روی زمین، زمین اهلش را فرو می‌برد و هلاک می‌کرد... از هنگام خلقت آدم تا قیامت، زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ خواه حجتش در میان مردم آشکار و معروف باشد، یا غایب و ناپیدا. بدون حجت، خدا عبادت نمی‌گردید (صدوق، ۱۳۹۵، ص ۲۰۷).
حس امنیت خواهی در کودک با توجه به ویژگی وجودی او، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین، می‌توان با نهادینه کردن این باور و اعتقاد که امام زمان علیه السلام، همیشه مراقب، محافظ و مددیار اوست، این حس را در کودک اقناع می‌کند.

ج) راهکاری قلمرو رفتاری تربیت مهدوی کودکان

منظور از قلمرو رفتاری، یا ساحت توانایی و کنش، حوزه‌ای از ویژگی‌های انسان است که منشأ رفتار اختیاری او است. حال این رفتار اختیاری شامل رفتار درونی (یا جوانحی مثل اراده) و بیرونی (یا جوارحی) می‌گردد که با هدف



روشن سازی رفتارهای مورد انتظار برای مخاطب جهت به کارگیری قدرت خود برای تحقق آنها مورد توجه است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱ و ۳۳۲ و ۳۶۰).

برای تربیت کودک در جهت ایجاد و تقویت نوعی رفتار، پس از اعطای بینش و تحریک انگیزه ابتدایی، باید به او کمک کرد تا در پرورش و تقویت اراده و به کارگیری توانمندی خود در انجام آن رفتار موفق شود. قلمرو رفتاری، نتیجه و ثمره عملی دو ساحت بینشی و گرایشی است؛ زیرا رفتار اختیاری کودک، مبتنی بر شناخت، خواست و گرایش او نسبت به آن رفتار و هدف از انجام آن است (ر.ک: همان، ص ۳۶۱-۳۶۴ و ۳۶۹). ویژگی های قلمرو رفتاری عبارتند از: تقلیدپذیری، دعوت پذیری عملی، شتاب زدگی، ناپایداری اراده، عادت پذیری، بازی (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۵۲). در اینجا به برخی از این ویژگی ها می پردازیم:

۱- الگوپذیری و تربیت مهدوی

تقلید، به طور طبیعی در دوره کودکی بیش از دیگر مراحل سنی رخ می دهد. کودکان با توجه کردن به محیط اطراف، مشاهدات دقیقی دارند. تصاویر و حالات و حرکات را زود به خاطر می سپارند و به دلیل تأثیرپذیری از محیط اطراف، سریع می پذیرند و آینه وار اقدام به همانندسازی رفتار دیگران می کنند. تأثیرپذیری رفتاری کودک، بیشتر از راهنمایی عملی است تا راهنمایی لفظی؛ زیرا اعمالی که یاد می گیرد بیشتر از راه مشاهده است. تقلید و الگوپذیری در زندگی کودک، نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا می کند. از جمله در بسیاری از فعالیت ها و بازی ها، به ویژه آنهایی که جنبه سازندگی یا تخیل دارند، در انتشار هیجان ها، فراهم سازی زیربنای تجسم و تصویر ذهنی و نیز پایه یادگیری های مختلف مانند یادگیری زبان



قرار می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۷۲ و ۷۱).

تقلید یکی از فرایندهای روانی است که پایه و اساس بسیاری از یادگیری‌های انسان به شمار می‌رود. گرایش به تقلید، به قدری در انسان رایج است که در قرآن مجید، به عنوان یک قاعده کلی تصریح شده است؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» قطعاً رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است (احزاب: ۲۱).

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

ای ابا حمزه، هریک از شما که چند فرسخ در روی زمین می‌خواهد راه برود، برای خودش دلیل و راهنما طلب می‌کند. در حالی که تونسبت به راه‌های ملکوتی آسمان جاهل ترهستی، پس در زمینه هدایت معنوی خود نیز دلیل و راهنمایی جست و جو کن» (کلینی، ۱۴۰۷ ق.م، ج ۱، ح ۱۰).

در این آیه و روایت، نیازمند به راهنما و الگو برای هدایت، یک امر بدیهی و ضروری دانسته شده و بر آن استدلال آورده شده است. همچنین در روایت دیگری امیرمؤمنان علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان الگو و اسوه معرفی نموده، به دیگران دستور تأسی و پیروی از ایشان می‌دهند

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حتماً به عنوان اسوه و الگو برای تو کافی است. پس تأسی و پیروی کن از پیامبر پاک‌تر خود. پس به درستی که او اسوه و الگوی هرفردی است که نیازمند تأسی و الگومی باشد (سیدرضی، ۱۳۷۷، حکمت ۱۶۰، ص ۳۷۰).

البته ایشان خود جزء اولین عمل‌کنندگان به این دستور خویش بود و درباره اسوه‌پذیری خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: من بسان بچه ناقه‌ای که به



دنبال مادر خود می‌رود، به دنبال پیامبر ﷺ می‌رفتم. هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را برای من تعلیم می‌کرد و به من دستور می‌داد که از آن پیروی نمایم (همان، خ ۱۹۲، ص ۵۸۸).

این روایت اهمیت و ضرورت داشتن الگودر دوران کودکی و تاثیر عمیق آن بر تربیت پایدار را به خوبی آشکار می‌سازد.

- الگونمایی مهدوی: یکی از راه کارهای تربیتی، که به وسیله آن می‌توان آموزه‌های مهدوی را در جان و روح کودک، نهادینه و درونی کرد، «روش الگونمایی مهدوی» است. در قرآن، الگونمایی به عنوان روشی اساسی در تربیت به کارگرفته شده و با شیوه‌های متنوعی، به معرفی و توصیف الگوپرداخته شده است. استفاده از قالب الگونمایی در تربیت مهدوی را می‌توان با استفاده از راهکارهای زیر اجرا کرد:

- معرفی و شناساندن امام زمان علیه السلام به کودک؛ حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «انّ قيمة كلّ امری ء و قدره معرفته»؛ ارزش و منزلت هر کسی (به اندازه) معرفت او است. (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۴). از سوی دیگر، در یکی از روایات مشهور شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ»؛ هر کسی بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است (مجلسی، بی تا، ج ۷۲، ص ۱۳۵).

با ضمیمه دو روایت به هم این مضمون به دست می‌آید که پیمودن جاده انتظار بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار، وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است. اگر معرفت امام برای



منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می بیند و احساس می کند. بنابراین، لحظه ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی کند. (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

- شناساندن دوستان و فدائیان اهل بیت علیهم السلام به کودک به عنوان الگو: چهره های جذاب، روشن و با کمالی همچون ابوذر، سلمان، مالک اشتر، عمار یاسر و اصحاب امام حسین علیه السلام که الگوی مناسبی برای فرزندان محسوب می شوند و آشنا کردن فرزندان با دوستان و دلدادگان خالص اهل بیت علیهم السلام از اثرگذارترین راه های آموزش و علمی عشق اهل بیت علیهم السلام است. در تأیید این مدعا و روش، داستانی از سلمان فارسی است که در کتب روایی و تاریخی نقل شده است (مجلسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۳۴۸، ح ۶۴). همچنین روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایمان ده درجه دارد: مقدار در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم و سلمان در درجه دهم قرار گرفته است (مجلسی، بی تا، ج ۹۹، ص ۲۹۱). این روایات نشان می دهد که ائمه علیهم السلام، ویژگی های یاران خود را به مردم معرفی می کردند تا مردم برای معیار اعمال و رفتارشان، الگویی داشته باشند که کدام رفتار آنها موجب رضایت امامان است و کدام ایشان را ناراحت می کنند.

- شناساندن دشمنان اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگوی منفی و تبری از آنها: شناخت کامل چیزی با شناخت متضاد آن بهتر ممکن است. برای شناساندن بهتر ائمه علیهم السلام باید دشمنان آنان را به کودک معرفی کرد تا کودک صفات خوب و رذائل را در کنار هم بشناسد و مقایسه کند. در متن زیارت عاشورا، این روش به خوبی به چشم می خورد.

۲- دعوت‌پذیری عملی و تربیت مهدوی

این ویژگی در واقع، مرتبط با سه خصوصیت «انعطاف فکری»، «یادگیری مشاهده‌ای» و «تقلیدپذیری» است و به این معنی است که شخصی مثل والدین یا مربی کودک، عملی را در مقابل او انجام دهند، به قصد اینکه وی را تحریک و دعوت به انجام نمایند و به خاطر خصوصیات مذکور، او به راحتی قبول و مشغول همانندسازی می‌گردد (رک: عبداللہی، ۱۳۹۶، ص ۶۹).

در متون دینی نیز به دعوت‌پذیری عملی در انسان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الاجْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ التَّوَرَعَ»؛ مردم را از طریقی غیر از زبان‌هایتان (یعنی با اعمال و رفتار خود به کارهای خیر) دعوت کنید تا تلاش و راستگویی و پرهیزکاری را از (رفتار) شما ببینند (کلینی، ۱۴۰۷ ق.م، ج ۳، ص ۱۶۴).

- فضا سازی مهدوی در خانه: یکی از مهم‌ترین راهکارهای عملی در نهادینه سازی محبت امام زمان علیه السلام در هفت سال نخست، فضا سازی مهدوی در خانه است. یکی از محققان درباره ضرورت فضا سازی مهدوی می‌فرماید:

وظیفه ما این است که به هر طریق ممکن نام حضرت را زنده کنیم. در زمان خانه نشینی حضرت امیرالمومنین علیه السلام شیعیان خاص آن حضرت، برای احیای نام آن حضرت موقع بلند شدن یا «علی» می‌گفتند. دوران ما زمان خانه نشینی حضرت مهدی علیه السلام است. ما باید در همه حال و از هر طریق ممکن، برای احیای نام حضرت تلاش کنیم. باید فضای تربیتی خانه را مهدوی کنیم. برمی‌خیزیم بگوییم: «یا مهدی»، می‌نشینیم بگوییم «یا صاحب الزمان»، در فضای بازی با



فرزندانمان مرتب بگوییم «یا مهدی» و از او نیز بخواهیم که بگوید (رحیمیان، ۱۳۸۲، ص ۵۹)

تا کودک مرتب نام حضرت را در جای جای زندگی بشنود و یاد حضرت در خانه و تمام زندگی اش جریان یابد.

از جمله اموری که موجب ایجاد فضای مهدوی در خانه می شود، صلوات فرستادن برای سلامتی و ظهور حضرت و یا هدیه صلوات برای منسوبان به حضرت و شریک کردن کودک در این کار می باشد. همچنین، نصب صلوات شماری که مخصوص صلوات برای صاحب الزمان باشد، در محلی که در معرض دید همه اهل خانه است، از کارهای عملی دیگر می باشد.

- انس اهل خانه با ادعیه و زیارات مهدوی: به گونه ای که صدای این ادعیه و زیارات فضای خانه را در برگیرد. تهیه و استفاده از پوسترها و تابلوهای مهدوی، تهیه سی دی های سخنرانی و مدیحه سرایی و پخش آن در خانه (آقاتهرانی، حیدری کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۷ و ۳۵۸). اهتمام ائمه به خواندن دعا و زیارات نشان دهنده اهمیت این مطلب است. صحیفه سجاده امام چهارم علیه السلام در واقع نوعی دعوت عملی حضرت در تربیت دینی می باشد.

۳- عادت-پذیری و تربیت مهدوی

انعطاف پذیری شخصیت در سنین کودکی موجب می شود که با طرز فکر، روحیه و رفتاری خاص خوبگیرد و علاقه به تکرار، موجب می شود تا آن قدر آن را بازپدیدآوری و تکرار نماید تا به صورت ملکه و عادت در آید. تلقین، تقلید، قصد و اراده، از مکانیزم های شکل گیری عادت های پسندیده یا ناپسند کودکان



محسوب می‌شوند (کاویانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹). از نظر اخلاقی، کودکی می‌تواند بهترین فرصت برای ایجاد عادات مطلوب باشد.

از ناحیه ائمه اطهار علیهم‌السلام اخبار متعددی رسیده است که کودکان را از هفت سالگی با فرائض دینی البته در حد توانشان، آشنا کنید. در واقع، در این فراز، استفاده از تدریج و استمرار قابل مشاهده و مذاقه است. به عبارت ساده‌تر، «عادت» کردن به انجام فرائض دینی در کودکی، منجر به ایجاد روح معنوی و انس با معنویات در کودک خواهد شد. این فرایند ساده و دست یافتنی، تقید به فرائض دینی را در بزرگسالی، بسی ساده و آسان، جلوه خواهد نمود. روایات دیگری در زمینه عادت‌پذیری به صورت یک قاعده کلی اشاره دارد. امیرمومنان علی علیه‌السلام مطلق عادت‌ها را طبیعت ثانوی انسان دانسته و می‌فرماید: «الْعَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ»: عادت، طبیعت دوم است. آمدی، ۱۴۱۰ ق. م. ص ۷۰۲).

البته فرقی میان عادت خوب و بد نیست و انسان اگر به چیزی عادت کند، همانند خلقت و طبیعت او می‌شود و در ناخودآگاه شخص این عادت رسوخ می‌کند و شخص ناخواسته و بی‌اراده در کنش‌ها و واکنش‌ها براساس همان عادت عمل می‌کند. از این رو، امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لِلْعَادَةِ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ سُلْطَانٌ»؛ عادت، بر هر انسانی سلطه دارد (منصوری، ۱۳۹۷، ص ۷۳۲۷).

- عادت دادن فرزندان به دعا و صدقه دادن برای حضرت: با توجه به توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام در اهمیت دعا برای فرج «وَأَكْثَرُوا الدَّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، همانا این دعاء موجب فرج شما است (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲، ص ۹۲، حدیث ۷). - ایجاد



عادت کار خیر به یاد حضرت و یاری رساندن به شیعیان و یاوران حضرت: از ویژگی‌های یاران امام زمان، که در روایات آمده، این است: دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است (مجلسی، بی تا، ج ۵۲، ص ۳۵). آنان برای یکدیگر خود را به رنج افکنند و در بهره‌گیری از زیبایی‌های زندگی، دیگران را بر خود پیش دارند و باید چنین باشند (مجلسی، بی تا، ج ۵۲، ص ۳۸).

بنابراین، در تربیت مهدوی باید تلاش شود نسلی پرورش یابد که دارای ویژگی یاران امام زمان علیه السلام باشد؛ زیرا تا فرد متصف به صفات یاران حضرت نباشد، چگونه ممکن است در زمینه‌سازی ظهور نقش داشته باشد.

۴. نیاز به بازی و تربیت مهدوی

بازی از نیازهای طبیعی و ضروری کودک شمرده شده که برای او صرفاً تفریح نیست، بلکه در واقع مقدمه‌ای برای عمل جدی و هدفمند است. فعالیت‌های کودک روز به روز بیشتر می‌شود و میل به بازی همراه با کنجکاوی و لذت در او شدت می‌گیرد. کودک در بازی، همه ضعف‌ها و قوت‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها، و به طور کلی، شخصیت خود را بروز خواهد داد و به آن پی می‌برد. (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۱). بازی نقش مهمی در ارتقاء رشد همه جانبه کودک اعم از رشد شناختی و ذهنی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و همچنین رشد جسمی وی دارد.

روایات بسیاری در این زمینه وارد شده، از جمله حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده که می‌فرمایند: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ بازیگوشی (و شیطنت) بچه در دوران کودکی، نشانگر فزونی عقل او در بزرگسالی



است (مجلسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۸). از این روایت میزان تاثیر بازی در تکامل فکری و رشد هوشی کودک به خوبی آشکا است.

پیامبران و معصومین علیهم السلام نیز به این نیاز طبیعی فرزندان شان توجه داشتند و علاوه بر تشویق آنان به بازی، خود نیز در بازی آنها شرکت می کردند. همانگونه که در قرآن کریم به این اشاره شده است: *قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمُرُنَا عَلَىٰ يُوْسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِيحُونَ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ*؛ گفتند: ای پدر تو را چه شده که ما را بر یوسف امین نمی - دانی در حالی که قطعاً ما خیر خواه او هستیم. او را فردا با ما بفرست تا (در صحرا) بگردد و بازی کند و قطعاً ما نگهبانان (خوبی) برای او خواهیم بود (یوسف: ۱۱-۱۲). در این آیات، حضرت یعقوب علیه السلام در برابر استدلال فرزندان، نسبت به نیاز حضرت یوسف علیه السلام به گردش و تفریح هیچ پاسخی نمی دهد و عملاً آن را می پذیرد. این خود دلیل است که بازی و سرگرمی سالم برای فرزند نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد. باتوجه به این ویژگی شخصیتی کودک، بسیاری از راهکارهای ارائه شده در تربیت مهدوی را می توان در قالب بازی، داستان، شعر و... اجرا کرد تا تاثیرگذاری تربیتی بیشتر و پایدارتر داشته باشد.

نتیجه گیری

علاوه بر اینکه یکی از مهم ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت آمادگی و خودسازی در راستای انتظاری پویا می باشد که زمینه ساز ظهور باشد، وظیفه خطیر دیگر، تربیت نسلی با مبانی عمیق دینی و اعتقادی است که آراسته به صفات یاران حضرت باشد و آمادگی همه جانبه برای ظهور و یاری رسانی به ایشان را داشته باشد. در این راستا، برای هرگروه سنی با توجه به ویژگی های



شخصیتی آن، راهکارهایی وجود دارد که می‌تواند در تربیت تأثیرگذار و پایدار کمک کند. براین اساس، در تربیت دینی کودک، نکات مهمی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. مانند:

۱. صرف انتقال اطلاعات پیرامون مسائل دینی به کودکان کافی نیست و علاوه بر انتقال، باید به فکر نهادینه سازی، درونی شدن و تبدیل به باور و ایمان نیز باشیم تا اثربخشی ماندگار داشته باشد.

۲. با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی کودکان، شایسته است که آموزه‌های دینی به لحاظ قرار گرفتن در سامانه‌ی انتقال به کودک به گونه‌ای روشمند دسته‌بندی و گزینش شوند.

۳. باید روش‌های متناسب با سیر رشد و تحول شناختی، عاطفی و رفتاری کودک، اتخاذ شود؛ چون در غیر این صورت، کودکان در معرض تهدید آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند.

در این مقاله، مهم‌ترین راهکارهای تربیتی که می‌تواند در تربیت دینی در سنین کودکی کمک کند، ارائه شد. ولی شیوه‌های اجرایی کلی دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. مانند جابجایی «نقش مربی و کودک»، «ایجاد فرصت تأمل»، «ایجاد تردید در امور منفی»، «نشان دادن آثار و زیبایی‌ها و جذائیت‌ها در زندگی کودک»، «درخواست راهنمایی و مشاوره»، «زمینه‌سازی ارتباط و معاشرت با خانواده و گروه همسال مهدوی»، «بهره‌بری از گرایش کودک به گفتگو»، «استفاده از حس کنجکاوی»، «خودافشایی والدین و مربی» که می‌توان آنها را در قالب‌های اجرایی دیگری مانند «مسابقه»، «مباحثه»، «گردش علمی یا فعالیت تجربی»، «تصویرسازی»، «تشبیهی و تمثیلی» به اجرا گذاشت.



منابع

۱. آقانهزانی، مرتضی؛ حیدری کاشانی، محمدباقر، خانواده و تربیت مهدوی، تهران، کتاب یوسف، چ هفتم، ۱۳۹۲.
۲. آمدی، عبدالواحد ابن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران، محمد علی انصاری، ۱۳۳۷.
۳. بالادستیان، محمدامین و دیگران، نگین آفرینش (درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت)، جلد ۱، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چ پنجاه و نهم، ۱۳۹۱.
۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران، چاپ و نشر بین الملل، چ نهم، ۱۳۸۷.
۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۹۱.
۶. جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیّه، چ دوم، ۱۳۹۲.
۷. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، ۱۳۷۷.
۸. الحرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۱، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۹. داوودی، محمد؛ حسینی زاده، علی؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (۱۶ جلدی)، ج ۸ و ۵ و ۱۲، تهران، دانشگاه تهران چ دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش.



۱۲. الرازی، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۹
۱۳. رحیمیان فردوسی، محمد علی، متأله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی خراسانی)، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲
۱۴. رضاییان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت، چ نهم، ۱۳۸۷
۱۵. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴
۱۶. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، آگاه، چ پانزدهم، ۱۳۸۵
۱۷. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چ هجدهم، ۱۳۸۱
۱۸. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
۱۹. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، انتشارات اسلامی، چ دوم، ۱۳۹۵
۲۰. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه (۴ جلدی)، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۱۳
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۸
۲۲. عبداللهی، ابراهیم، مهدی باوری در کودکان، قم، حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶
۲۳. عبدوست فرید، مرتضی، الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۷۱

۲۵. فرید، مرتضی، الحدیث روایات تربیتی از مکتب اهل بیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱۶، ۱۳۸۶
۲۶. فیرس، ای. جری و جی. ترال، تیموتی، روان شناسی بالینی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت با همکاری سیف الله بهاری، تهران، رشد، ۱۳۸۲
۲۷. کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷
۲۸. الکلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (هشت جلدی)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع کافی، قم، قدس، ۱۳۸۸
۳۰. گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، تهران، ساوالان، چ شصتم، ۱۳۹۱
۳۱. اللهیاری، حمیده، بررسی تطبیقی فرزندپروری در روانشناسی و شیوه های تربیت فرزند در اسلام، ایرانداک، ۱۳۹۰
۳۲. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۳. مصباح، محمدتقی، فلسفه ی تعلیم و تربیت، تهران، مدرسه، چ دوم، ۱۳۹۱
۳۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (شش جلدی)، جلد ۱ و ۳، تهران، امیرکبیر، چ بیست و پنجم، ۱۳۸۸
۳۵. منصوری، خلیل، عادت از منظر آموزه های دینی، کیهان، آبان ۱۳۹۷
۳۶. موسوی نسب، محمدرضا، «بررسی تحوّل فهم دعا در کودکان و نوجوانان»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، گروه علوم تربیتی، ۱۳۸۹
۳۷. النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت □، ۱۳۶۰
۳۸. همتی، مجید، چندایست تابيست (خودمهارگری کودکان)، قم، موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰